

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

۲۳ جولای ۲۰۲۶

پوهاند عبدالحی حبیبی

کشف شاهنامه قبل از دوره مغل

۶۱۴ هـ ق = ۱۲۱۷ م

آغاز پژوهشهای نوی در شاهنامه شناسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قسمت سووم

نسخه کهنتر ۶۱۴ ق

(۳)

مقدمه های شاهنامه

برای شاهنامه فردوسی تاکنون چهار مقدمه قدیم و جدید سراغ داریم، که مقدمه کهن آن بنام مقدمه شاهنامه ابومنصوری معروف و از قدیمترین آثار بازمانده نثر در است که در سنه ۳۴۶ ق ۹۵۷ م بقلم ابو منصور محمد بن عبدالله المعمری وزیر ابومنصور عبدالرزاق حکمران خراسان، بر شاهنامه منثوری نوشته شده، و وی بامر این حکمران از خداینامه های قدیم و روایات دهقانان و فرزانه گان و جهان دیده گان مانند ماخ از هری و یزدان داد پسر شاپور از سیستان و ماهوی خورشید پسر بهرام از نشابور و شاذان پسر برزین از طوس فراهم آورده بود و این مقدمه با مقدمه و مقابله و حواشی

مرحوم علامه محمد قزوینی در جلد دوم بیست مقاله (ص ۲۴ - ۵۶) در تهران ۱۳۱۳ ش طبع شده است.

دوم : این مقدمه در آغاز نسخه لندن که ذکر آن گذشت، آمده و مصدر برخی داستانهای نادرست و بی بنیاد است و سهوهای صریح تاریخی و الحاقی دارد، که در نسخه کتابخانه سلطانیه مصر مخطوطه ۷۹۶ ق هم ضبط است و اشعار مجعولی را بنام هجونامه سلطان محمود در آن بسط داده اند و محمد قزوینی آنرا مقدمه اوسط نامیده است، که مأخذ برخی از مقدمات مابعد و داستانهای مجهول آن همین مقدمه بوده است و از نسخه قاهره پدید می آید، که در اواخر قرن هشتم مروج بوده. سوم : مقدمه بیست که بین مقدمه دوم و چهارم بایسنقری نوشته شده و در آغاز برخی از شاهنامه ها که در قرن هشتم نوشته اند دیده میشود و تکرار همان مطالب مقدمه اول و دومست. عبارات تازه تر با برخی از اشعار سست، و اضافه مطالب نادرست و بی سند که آغاز آن چنین است " :سپاس و آفرین خدایی را که این جهان و آن جهان آفرید "... و قراریکه دیده میشود اندک تفاوتی بامقدمه دوم دارد و در بسا موارد عیناً از عبارات مقدمه اول و دوم مأخوذ است.

چهارم : مقدمه شاهنامه معروف بایسنقریست، که بامر شاهزاده هنرمند و با ذوق غیاث الدین بایسنقر میرزا بن شاهرخ بن تیمور بر شاهنامه ایکه در سنه ۸۲۹ ق از چند نسخه خطی گردآورده شده، نوشته اند که باین بیت آغاز می شود :

افتتاح سخن آن به که کند اهل کمال	بثنای ملک الملک خدای متعال
----------------------------------	----------------------------

این نسخه بزعم فراهم آوران آن مصحح و مکمل بوده، در حالیکه دران بسا ابیات آواره و سست بی مایه از مخطوطات متعدد راه یافته و در یک جلد نفیس تا سال ۸۳۳ ق ۱۴۲۹ م بخط جعفر بایسنقری ماهرترین خطاطان دربار هرات با ۲۲ مجلس مصور و جلد ممتاز طلاپوش از بیرون و معرق از درون و اوراق سرلوحه و ترنج دار مرصع و جداول مذهب در کمال آرایش و پیرایش نوشته شد، که باعتراف هنر شناسان جهان، بهترین و ارزشمند ترین کتب مصور جهان و نمونه اکمل و مرصع هنر هرات شمرده میشود و در سنه ۱۳۵۰ ش باتمام مزایاء و خصایص هنری آن چاپ شده است (درین مقاله به علامت)با (اشاره می شود).

از مطالعه مقدمه و متن نسخه بایسنقری پدید می آید که تا اواسط قرن نهم هجری هم خصایص املائی قدیم حروف خاص فارسی باقی بود، مثلاً گ بشکل ک عربی مانند کردانند (ص ۹) گرفت (ص ۱۰) و چ بایک نقطه مانند جون، جند (ص ۹ - ۱۰) جنانجه (ص ۱۱) در حالیکه همین حروف

فارسی را در کلمات پسندیده (ص ۹) و چرخ (ص ۱۱) و پاستان نامه (ص ۹) و چنین (ص ۱۷) و پروردگار (ص ۱۰) و غیره بسه نقطه هم می بینیم و ازین بر می آید، که کاتب خود را بتوحید املائی این کلمات مکلف نمی دانسته و یا اینکه تنقیط آن در زمانه بعد از طرف خواننده گان واپسین صورت گرفته است.

علاوه برین این نکته هم واضح میگردد که گردآورنده گان به تکمیل آن از نُسخ خطی متعدد که در دسترس شاهزاده مقتدری بود کوشیده و میخواستند اند بر عدد ابیات نسخه خویش بیفزایند و لو اکثر ابیات آن مجعول و سست و از گفتار خود فردوسی نباشد. و هم نویسنده مقدمه بر روایات مقدمه های قبلی، اگر چه برخی مطالب آن سست و بی سند و با وقایع تاریخ متضاد هم باشد، اتکار کرده و بدون تمیز غث از سمین و سره از ناسره نوشته است، که اعتبار تاریخی و ثقت مقدمه و ذوالمقدمه را از نظر انتقادی از بین می برد.

سهوهای فاحشی که درین مقدمه دیده میشود به برخی ازان اشارت میرود:

۱. در شرح حال حکیم فردوسی گوید که وی در آن ایام شنیده بود، که دقتی بنظم شاهنامه مشغول بوده و بر دست غلامی کشته شد ... در آنوقت والی طوس ابو منصور اشمیکنن (؟) بود و فردوسی بااشارت و نوازش او بنظم شاهنامه مشغول کشت، عن قضاء الله اسیکنن (؟) را وفات رسید و فردوسی درباره نام و رحلتش گوید :

یکی نامور بود مافرو نام بگیتی رسیده زنیکی بکام ...

جو آن نامور کم شد از انجمن جو در باغ سروسهی از جمن

زدست ستمکاره مردم کشان نه زو زنده بینم نه مرده نشان

(ص ۲۸ داستان دوست مهربان)

این داستان از بُن متزلزلست، زیرا ما فرو در نسخه های دیگر بنظر نمی آید و در طبع ژول موهل (پاریس ۱۸۳۸ - ۱۸۷۸ م) زیر عنوان (اندر ستایش ابو منصور بن محمد) ج ۱ ص ۱۱ (بیت اول و نام مافرو نیست و در چاپ انتقادی گونه مسکو ۱۹۶۰ م نیز جای نگرفته (ج ۱ ص ۲۴) و ما نمیدانیم که این بیت در نسخه (با) از کجا آمده؟ و نام مافرو را کی ساخته و بافته است؟

درین مقدمه کنیت ابو منصور و نام اشمیکنن (؟) والی طوس بدو املا آمده و عموماً ابو منصور محمد بن عبدالرزاق والی خراسان را مراد گرفته اند که در سنه ۳۴۹ ق بسپه سالاری خراسان رسید، ولی چون میان آغاز شاهنامه (حدود ۳۷۰ ق) و مرگ ابو منصور محمد ۳۵۰ ق بیست سال فاصله است، بنابراین این تشخیص باطلست و نامیکه باملائی مشوش با کنیت ابو منصور در (با)

ضبط شده، باید تصحیفی از نام آسیختگین باشد که بالقاب حاجب غازی در عصر سلطان محمود، سالار خراسان بود (حدود ۴۰۸ ق) ولی او بتصریح بیهقی در ۴۲۲ ق در حصار گردیز محبوس و در شوال ۴۲۵ ق در آنجا مرد. بنابراین حالش با بیت (چو آن نامور ...) در عصر محمود مطابقت ندارد و خلط نویسنده مقدمه (با) خواهد بود. اگر این ابو منصور را همان نویسنده مقدمه قدیم المعمری بشماریم، آیا او تا آغاز نظم شاهنامه (حدود ۳۷۰ ق) زنده و بر منصب خود در خراسان باقی مانده باشد؟ در حالیکه بادرش در ۳۵۰ مسموم و مقتول گشته است!

۲. درین مقدمه سهوهای تاریخی فراوان است، مثلاً همین ابو منصور محمد عبدالرزاق حکمران خراسان (حدود ۳۴۶ ق) را معتمد الملک یعقوب لیث صفاری (۲۶۱ - ۲۶۵ ق) دانستن (ص ۱۰ مقدمه) و "عنصری و رودکی باتفاق یکدیگر مکتوبی مطول فردوسی نوشتن" (ص ۱۲) در حالیکه رودکی در سنه ۳۲۹ ق از جهان رفته بود، یا بجای خواجه احمد بن حسن (وزیر سلطان محمود) خود حسن میمندی را وزیر سلطان و ناصبی و بدخواه فردوسی دانستن (ص ۱۵) در حالیکه حسن میمندی در ایام وزارت سبکتگین بر بست، بسعایت دشمنان کشته شده بود، و از همین قبیل اشتباهاتست که شاعر معروف ابن یمین فریومدی را الغزنوینی (؟) نوشته (ص ۱۷) و نظم قصه یوسف و زلیخا از طرف فردوسی در بغداد (؟) (ص ۲۱) و کشتن سلطان محمود میمندی را بجرم بدخواهی با فردوسی (ص ۲۰) و بردن فردوسی شاهنامه را پیش والی قهستان ناصرالدین محتشم (؟) (ص ۱۹) در حالیکه بانی باطنیان الموت حسن بن صباح (۴۸۳ - ۵۱۸ ق) سالها بعد از فردوسی بنیاد حکومت را نهاد و لقب محتشم در حدود ۶۰۰ ق در بقایای این حکمران رواج یافته بود و ناصر الدین محتشم قهستان در سنه ۶۵۵ ق به هولاکو مطیع شد، همین مقدمه گوید که فردوسی در وثاق ابوبکر وراق (؟) (ص ۱۲) بود، که بموجب چهار مقاله عروضی "و بهری بدکان اسماعیل وراق پدر ازرقی فرود آمد (ص ۷۰) صحیح و ابوبکر زین الدین نام خود ازرقی است، که در حدود ۴۶۵ ق وفات یافته و بنابراین در عصر فردوسی باید کودکی باشد. همچنین ماهک که بموجب مقدمه (ف) شخص بازیگر و از ندمای خاص سلطان بود (ص ۱۲ الف) در مقدمه (با) ما نیک و مکرراً بدون نقاط نوشته و اصل نام را مسخ کرده اند (ص ۱۲).

ادامه دارد...